

حضرت یوسف

حضرت یوسف علیه السلام فرزند یعقوب فرزند اسحاق فرزند ابراهیم علیهم السلام از پیامبران بزرگ الهی و اولین پیامبر بنی اسرائیل بود.

نام یوسف ۲۵ بار در قرآن آمده و سوره ای نیز به نام او موجود است. این سوره داستان زندگی یوسف را به عنوان احسن القصص (بهترین قصه‌ها) از آغاز تا پایان بیان کرده است.

حضرت یعقوب علیه السلام ۱۲ پسر داشت. یوسف و بنیامین از زنی به نام راحیل بودند که بسیار محبوب یعقوب بود و در جوانی درگذشت. از این رو یعقوب این یادگاران او را بیشتر از فرزندان دیگرش دوست می‌داشت.

زیبایی بی‌نظیر یوسف نیز به علاقه پدر نسبت به وی افزوده بود و برادران یوسف از این بابت به او حسادت می‌کردند.

شب یوسف خواب دید که خورشید و ماه و یازده ستاره بر وی سجد می‌کنند. خواب خود را به پدرش باز گفت. یعقوب علیه السلام تعبیر خواب وی را بازگو کرد و سفارش کرد که رؤیای خود را به برادرانش نگوید. اما برادران از خواب یوسف آگاهی یافتند و با توجه به علاقه پدر به وی، با نقشه‌ای از پیش طراحی شده یوسف را به صحرا بردند و در چاه انداختند، و هنگام بازگشت به پدر گفتند که یوسف را گرگ درید.

کاروانیانی که از کنار چاه می‌گذشت، یوسف را دیدند، از چاه درآوردند و به غلامی به مصر بردند. در آنجا یوسف به خانواده عزیز مصر راه یافت و اندکی بعد وقتی به سن بلوغ رسید، زلیخا، زن عزیز مصر، شیفته او شد و از او کام خواست، اما یوسف خویشتنداری کرد و از قبول پیشنهاد زلیخا سر باز زد.

خبر ماجرا به عزیز مصر رسید و پس از بررسی، بی‌گناهی یوسف و حيله‌ی زلیخا ثابت شد ولی چون خبر در شهر منتشر شده بود، پادشاه مصر بر آن شد تا یوسف را به زندان افکند. یوسف در زندان خواب دو جوان را تعبیر کرد و سالیانی بعد با راهنمایی یکی از آن دو جوان، برای تعبیر خواب عزیز مصر، راهی قصر او شد. سرانجام یوسف به خزینه داری و سپس به منصب والای حکومتی رسید.

خشکسالی سرزمین کنعان فرزندان یعقوب را برای تهیه آذوقه به مصر کشاند و عاقبت، یوسف و برادران همدیگر را شناختند. یوسف با برادران نیکی کرد و سرانجام با پدرش، یعقوب، که سال‌ها در آتش فراق او می‌سوخت دیدار کرد. چشم پدر به جمال یوسف روشن شد و از نابینایی - که در اثر گریه بر فراق یوسف به آن مبتلا شده بود - نجات یافت.

در تاریخ چنین آمده است که یوسف نه سال داشت که به چاه افتاد، در دوازده سالگی به زندان رفت، هیجده سال در زندان بود و هشتاد سال پس از آزادی در مصر زندگی کرد؛ به این ترتیب در مجموع ۱۱۰ سال عمر کرد.

می‌گویند پس از وفات حضرت یوسف علیه السلام مردم مصر به نزاع برخاستند و هر دسته‌ای خواهان دفن جنازه او در محله خود بودند، تا اینکه پیکر وی را در تابوتی از مرمر نهادند و در کف رود نیل دفن کردند.

سال‌ها بعد حضرت موسی علیه السلام پیکر وی را به فلسطین منتقل کرد و به خاک سپرد. اکنون مرقد حضرت یوسف در شهر خلیل الرحمن فلسطین است.

اشتراکات داستان یوسف اسلامی و یهودی

قرآن از ازدواج اسحاق نمی‌گوید، از عیسو نیز نمی‌گوید، ولی از یعقوب می‌گوید که پدر فرزندان بسیار بود و قرآن تنها از یوسف نام می‌برد. در قرآن به قبایل (اسباط) اشاره شده‌است که در واقع دوازده سبطی هستند که از دوازده پسر یعقوب منشا می‌گیرد. و تعداد آنها را ذکر کرده‌است.

سرگذشت یوسف در سوره دوازدهم قرآن که به نام همو است روایت می‌شود. او خود می‌گوید:

آیین پدرانم، ابراهیم و اسحاق و یعقوب را پیروی نموده‌ام

خداوند در این زمینه به محمد می‌گوید:

ما نیکوترین سرگذشت را به موجب این قرآن که به تو وحی کردیم، بر تو حکایت می‌کنیم، و تو قطعاً پیش از آن از بی‌خبران بودی

پس این سرگذشت از نو بر محمد وحی شده و خداوند است که سخن می‌گوید، با این وجود شباهتهای نمایانی میان حکایت قرآن و کنتب مقدس و برخی داستانهای آکادی وجود دارد. حتی شاید گاهی برای فهم روایت قرآنی نیاز به تکمیل آن از منابع یهودی باشد.

به جای نتیجه گیری از زندگانی یوسف در قرآن آمده‌است:

این [ماجرا] از خبرهای غیب است که به تو وحی می‌کنیم، و تو هنگامی که آنان همداستان شدند و نیرنگ می‌کردند نزدشان نبودی.

این حکایت باید همچون هشدار برای جهانیان و به سان دلیلی بر رحمت الهی تلقی گردد که چندین بار بر آن تاکید شده‌است. همچنین:

به راستی در سرگذشت آنان، برای خردمندان عبرتی است. سخنی نیست که به دروغ ساخته شده باشد، بلکه تصدیق آنچه [از کتابهایی] است که پیش از آن بوده و روشنگر هر چیز است و برای مردمی که ایمان می‌آورند رهنمود و رحمتی است.

سپس سفر پیدایش داستان یعقوب در مصر را حکایت می‌کند. او در لحظات آخر فرزندان خود را برکت می‌دهد، اسرائیلیان او را حنوط می‌کنند و سپس او را در مکفیلخ در سرزمین کنعان به خاک می‌سپارند.

یوسف خود نیز به هنگام مرگ به برادران خویش گفت: من میمیرم و یقیناً از شما تفقد خواهد نمود و شما را از این سرزمین به زمینی که برای ابراهیم و اسحاق و یعقوب قسم خورده‌است، خواهد برد.

یوسف در ۱۱۰ سالگی در گذشت، او را حنوط کردند و در زمین مصر در تابوت گذاشتند. و این پایان سفر پیدایش است.